



A T I Y E H N O

د ل ن و ش ت



## در دلدلی باهمرزمان در گزائر شهیدا

دوران بازنشستگی برای بسیاری از مردان و زنانی که به آن پا می گذارند، دوران خسته کننده و کسالت باری به شمار می رود. برخی این دوران را با ترس ناشی از نزدیک شدن به پایان عمر پیوند می زنند و لذت زندگی را از خود دریغ می کنند و در این میان برخی بازنشستگان نیز نگاهی مثبت اندیشانه و خوش بینانه به فصل جدید زندگی خود دارند. آنها بازنشستگی را به مثابه بخش جدایی ناپذیر زندگی خود می پذیرند و در دنیای تازه خود با شکل و شمابلی تازه، به زیستن مشغول می شوند. مرور خاطرات روزهای جوانی و مرادات با رفقا و دوستانی که یار و همراه گذشته زندگی شان بودند، راهکاری مناسب برای رهایی از روزهای خانه نشینی است.

محسن باباخانو، بازنشسته آموزش پرورش و از ایثارگران دوران دفاع مقدس است. او پس از رسیدن به روزهای بازنشستگی در کنار زمانی که با خانواده سپری می کند، دوست دارد به قطعه شهدای بهشت زهرا رفته و با یاران دیرین هاش صحبت کند. او این عادت را سال هاست ترک نکرده و با وجود اینکه تردد به دلیل استفاده مداوم اش از صندلی چرخدار، چندان ساده نیست اما نمی تواند از وقت گذراندن با همرزمان شهیدش چشم پوشی کند: «بعد از بازنشستگی اوقات فراغت بیشتری دارم که از ته دل علاقه مند آن را در کنار همرزمان سابق خود سپری کنم. خیلی اوقات پیش آمده که ساعت ها اینجا نشسته ام و با دوستانم حرف زدم. من هرگز نپذیرفتم و نمی پذیرم که آنها زنده نیستند. کاملاً حس می کنم که حرف هایم را می شنوند و حتی گاهی صدای شان را می شنوم.»

ایمن معلم جانباز خاطرات جبهه را فراموش نکرده و در روزهای تدریس هموار از رشادت رزمندگان دفاع مقدس برای شاگردانش تعریف کرده است: «اینکه در کلاس درس وقتی فرصتی پیدا می شد از خاطرات خط مقدم برای دانش آموزانم می گفتم و آنها با اشتیاق و علاقه آن را گوش می دادند برایم بسیار لذت بخش بود. هرچند برخی از این خاطرات، تلخی های فراوانی با خود به همراه داشت، اما همین که می دانستم شرح فداکاری ها و شجاعت های همرزمان من که بخش زیادی از آنها حالا به شهادت رسیده اند، برای دانش آموزانم درس زندگی است، برای خوشحال کننده بود.»

باباخانو در ستایش الطاف و ایثاری که همسر و فرزندانش در تمام سال های زندگی نسبت به او داشته اند، می گوید: «در میانه های جنگ زمانی که با این واقعیت مواجه شدم که یک پای خود را به طور کامل از دست دادم و باید برای همیشه از صندلی چرخدار استفاده کنم، غم فراوانی در قلبم جوانه زد. البته این غم به این دلیل نبود که دیگر نمی توانستم راه بروم یا مثل انسان های معمولی زندگی کنم، این غصه از آنجا ناشی می شد که من لایق شهادت نبودم. با این حال در تمام این سال ها برگزیده ای به نام خانواده داشتم. همسر و فرزندانم که هرگز به دلیل مشکلات من برخورد ناشایستی با من نکردند، بی احترامی و صدای بلند و خستگی در وجودشان نمایان نشد و امروز اگر هنوز زنده ام و نفس می کشم به دلیل وجود آنهاست.»

۱۶

دور برگردان

۶۶

کم از «بهشت» ندارد هوای تو...

هر بار نگاهش می کنم و نگاهم می کند، چشمانش برق می زند و لبخندی عمیق روی صورتش نقش می بندد؛ انگار که به موازت سفیدتر شدن هر تار مو عمق لبخندش هم بیشتر می شود. در روزهای کودکی که سؤالات کنجکاوانه ام تمامی نداشت، صبورانه پاسخ تک تک سؤالاتم را می داد و برایم تعریف کرده بود دقیقاً در چه روزی از آن جنگ تحمیل شده، در کدام عملیات، در جمع کدام همرزمانش، یک پایش را برای همیشه جا گذاشت و به جریان زندگی بازگشت... پدر بزرگ برای من تعریف تمامی واژه های خوبی است که در تمام عمرم یاد گرفته ام تعریف ایثار، گذشت، غیرت، شهادت، مرز و بوم... و زیباترین تعریف از مقدس ترین واژه زندگی ام تعریفی تمام و کمال از واژه «ایران»

آتیّه نو به مناسبت «هفته دفاع مقدس» آثار تصویری با محوریت جنگ تحمیلی را بررسی می کند

# روایت ایثار بر پرده نقره ای

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیّه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی) • مدیر مسئول: روح الله عطریان
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری • صفحه آرا: کتیایون رحیمی • عکس: پویا بازارگرد، پر تو جغتایی • ویراستار: کورش اشرفی
- حروفچین: اکرم خاکپور • ناظر چاپ: علی توتونی
- نشانی: میدان آرزائتین، خیابان احمد قنیر خیابان دوازدهم، شماره ۲۲ • تلفن: ۴۵۴۳۶-۲۱ • تحریریه: داخلی ۱۴۳
- بازرگانی: داخلی ۱۲۲ www.atiyehno.ir • چاپ: هنر سرزمین سبز

یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ • شماره ۳۵۱



عکس: فائزه کابلی

دفاع جانانانه و تمام قد مردان و زنان این خاک از مرزهایی که به دست سربازان دشمن احاطه شده بود چه صفتی می توانست به خود بگیرد جز «مقدس»؟ هشت سال مبارزه، با دست خالی و در پیکاری نابرابر برای تسلیم نشدن، در دل تاریخ ایران عزیزمان ماندگار شد تا برگی در خشان باشد از حکایت های تلخ و شیرینی که این خاک رنج کشیده از دیرباز تاکنون به خود دیده است. با وجود اینکه بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی ایران با عراق گذشته، اما مضمون «دفاع مقدس» در تمام این سال ها همواره از آن سوژه هایی بوده و هست که هنرمندان با محوریت آن دست به خلق آثار متفاوتی زدند. چه بسیار نقاشی ها، عکس ها، کتب، اشعار، فیلم ها، نمایش ها و... آفریده شدند تا روایتگر بخشی از «دفاع مقدس» باشند تا مبادا هشت سال یاداری از این خاک به دست فراموشی سپرده شود. در این میان سینما سهم بسزایی داشت. تولید و ساخت فیلم های ماندگاری که رسالتی نداشتند جز باز آفرینی جنگ تحمیلی و پرداخت به شخصیت هایی که با نام شان در تاریخ هشت سال دفاع مقدس ماندگار شد یا رشادت های شان گمنام ماند. به بهانه فرا رسیدن هفته «دفاع مقدس» بر آن شدیم تا نگاهی بیندازیم به نقش فیلم و سینما در ماندگاری این بخش مهم از تاریخ معاصر ایران عزیزمان؛ آثاری که هنوز نمی توان به طور قطع مدعی شد که آیا توانسته اند ریزه کاری ها و ناگفته های آن روزهای تلخ و حیاتی را به درستی به تصویر بکشند یا خیر؟

گزارش

خاک این ملک تلاش کردند. فیلم های سینمایی کیمیا (احمد رضا درویش)، نجات یافتگان (رسول ملاقلی پور)، شهیدا (کمال تبریزی)، گیلانه (رخشان بنی اعتماد)، روز سوم (محمدحسین لطیفی) و... بخشی از آثار ژانر دفاع مقدس هستند که توانسته اند رشادت و نقش کلیدی زنان در هشت سال دفاع مقدس را تا حد زیادی به درستی به تصویر بکشند. سینمای دفاع مقدس در طول عمر ۳۰ ساله خود همواره کوششیده تا بتواند روایتگری منصف و وفادار به هویت و اصالت جنگ تحمیلی باشد. در تمام این سال ها در جشنواره فیلم فجر که اصلی ترین و معتبرترین جشنواره فیلم داخلی در ایران محسوب می شود، فیلم های دفاع مقدسی جایگاه ویژه خود را داشته اند. کارگردانان و فیلمسازان جوانی که به تازگی پایه این عرصه گذاشته اند نیز بسیار علاقه مند و مشتاقند که فیلم هایی با مضمون جنگ بسازند؛ با وجود اینکه شاید حتی خودشان یک روز از جنگ تحمیلی را نیز به چشم ندیده باشند. سینمای دفاع مقدس در این چند دهه توانسته جنگ را از زوایای مختلفی به تصویر کشد. ابعادی مانند رفاقت های دوران جنگ، ملودرام های جنگی، نگاه کمیدی یا نوستالژیک، تصویر بازماندگان جنگ در دل اجتماع، دلایل جنگ و... روند ساخت و تولید فیلم هایی در ژانر دفاع مقدس بدون شک در طول تاریخ سینمای ایران همواره پابرجا خواهد ماند؛ چراکه داستان های دراماتیک و ترازیکی که در آن هشت سال به وقوع پیوست، انقدر گستره وسیعی را دربر می گیرد که هرگز تمام نخواهد شد.

مخاطبان خود را حفظ کرده است. زنان در سینمای دفاع مقدس موضوعی که در ژانر سینمای دفاع مقدس می توان مورد بررسی قرار داد، پرداخت های ریزبینانه و گاهی خلاقانه به نقش «زنان» در جنگ تحمیلی است؛ زنان که در سال های دفاع از خاک ایران برابر دشمنان، پایه پای مردان ایفای نقش کرده و در آن هشت سال به مقام اسارات و یا شهادت رسیدند.

این موضوع بر کسی پوشیده نیست که زنان در طول سال های دفاع مقدس همپای مردان بودند، گاه پشت جبهه و گاه مقابل دشمن و در مناطق جنگی. زمان زیادی لازم بود تا زنان به سینمای جنگ راه پیدا کنند، اولین تصاویر زنان در سینمای دفاع مقدس تصاویری کلیشه ای بود از زنانی که می کوشیدند همسران شان را برای دفاع از سرزمین مادری ترغیب و تشویق کنند. در سال های اخیر اما سینمای دفاع مقدس تا حد زیادی به رسالت خود در نمایش شخصیت زنان در دوران جنگ عمل کرده است. هرچند این موضوع در دهه ۶۰ چندان به چشم نمی آمد و گویی نقش زنان بیشتر زیر سایه قهرمانان اصلی فیلم که مردان بودند، کم رنگ شده بود. سینمای دفاع مقدس حالا و در حالی که بیش از سه دهه از پایان جنگ تحمیلی گذشته تصاویری در خشان و به یادماندنی از مادران و زنانی دارد که در مهمترین رویداد تاریخ سیاسی و اجتماعی این سرزمین در کنار مردان و برای حراست از

مستقیم داشته و اعتماد به آن برای ذهن پرسشگر نسل کنونی، سهل تراست.

تولید یک ژانر نوین

فیلمسازی با محوریت دفاع مقدس در ابتدای جنگ ایران و عراق (سال ۱۳۶۰) و با ساخت فیلم «مرز»، به کارگردانی جمشید حیدری آغاز شد. از آن روزها تا امروز آثار بسیاری در این باب ساخته شده و ژانری مجزا با عنوان «سینمای دفاع مقدس» را به ژانرهای فیلمسازی در ایران افزوده است. سینمای دفاع مقدس را می توان در دو بخش از نظر زمانی دسته بندی کرد. یک فیلم های تولید شده در زمان جنگ و دوم آثاری که پس از پایان جنگ تا به امروز ساخته شد. بین سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ برخی کارگردانان نظیر کمال تبریزی، محسن مخملباف، رسول ملاقلی پور و... اقدام به ساخت فیلم هایی کردند که در بخش سینمای دفاع مقدس دسته بندی می شود. بعد از پایان جنگ نیز ساخت فیلم هایی با موضوع جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرد تا سینمای دفاع مقدس وارد دوران نوینی شود. کارگردانانی نظیر ابراهیم حاتمی کیا، مسعود کیمیایی، سعید سهیلی، احمد رضا درویش و... در این دوره به جمع کارگردانانی که ژانر محبوب شان سینمای دفاع مقدس است افزوده شدند. در این دوران آثار ماندگاری مانند لیلی با من است (کمال تبریزی)، آژانس شیشه ای (ابراهیم حاتمی کیا)، دندان مار (مسعود کیمیایی)، سفر به چادیه (رسول ملاقلی پور) و... ساخته شد که بعد از گذشت سال ها همچنان جامعه

روایت فتح از قاب دوربین شهید آوینی

سی و یکم شهریور سال ۱۳۵۹، زمانی که نخستین شعله آتش جنگ در دل خاورمیانه بین دو کشور ایران و عراق، برافروخته شد؛ کمتر کسی تصور می کرد این نبرد هشت سال به طول بینجامد. جنگ اما طویل شد تا روز و هر شب در دل خود آبستن سرگذشت ها و داستان هایی شود؛ داستان هایی که بخش عمده ای از آثار سینمای دفاع مقدس را تشکیل داده و می دهند. جنگ تحمیلی در ابتدا از قاب دوربین «مرتضی آوینی» و در قالب روایت هایی مستند با عنوان «روایت فتح» به نمایش در آمد؛ مجموعه مستندهایی که با رویکردی مذهبی و عرفانی ساخته شد و اصالت جنگ را با کیفیت و کمیتی ایده آل ارائه داد. مجموعه مستندهای روایی که مرتضی آوینی به ساخت آنها مبادرت ورزید، بیش از آنکه به خشونت و سختی و تلخی «جنگ» بپردازند، به «اصالت ایمان رزمندگان» وفادارند. از نخستین روزهای آغازین جنگ تا روز پایانی، ساخت مستندات سینمایی مرتضی آوینی و همکاری اش ادامه داشت تا گنجینه ای از رشمنان روزهای پرتلاطم جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و جانانان جوانان ایران عزیزمان به یادگار بماند. آثار مستندی که از آن روزها باقی مانده، مخاطبان بسیاری دارند؛ به ویژه در بین نسل جوان که تصورات شان از جنگ تحمیلی تنها در روایت های شنیداری که از پدر و مادران شان نقل شده است، خلاصه می شود، تماشای این مجموعه آثار از جذابیت ویژه ای برخوردار است؛ چراکه مستندات همواره بر واقعیت دلالت



پرتوجغتایی

روزنامه نگار

فیلمسازی با محوریت دفاع مقدس در ابتدای جنگ ایران و عراق (سال ۱۳۶۰) و با ساخت

فیلم «مرز»

به کارگردانی جمشید حیدری

آغاز شد

صدِ روسی

نویسنده: میثم رشیدی مهرآبادی  
انتشارات: شهید کاظمی  
سال نشر: ۱۳۹۸

کتاب صدِ روسی، نوشته میثم رشیدی مهرآبادی، خاطراتی از جانباز «عبدالعلی یزدان یار» است که در دوران دفاع مقدس، شجاعانه به جبهه رفت و در برابر دشمنان ایستادگی کرد. یزدان یار از بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری است که میثم رشید مهرآبادی خاطرات او از حضور در جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس را به رشته تحریر در آورده است.

معرفی کتاب



کاظمی، همراه با تعدادی از تصاویر تاریخ هشت سال دفاع مقدس، در پاییز سال ۱۳۹۸ منتشر و روانه بازار کتاب شد. از جمله دیگر آثار میثم رشید مهرآبادی، در حوزه دفاع مقدس می توان به «حاجی فیروز» و «خیابان تبریز» اشاره کرد.

از متن کتاب:

• حدود ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ بود و من جلوی در ورودی سیاه منطقه دو در میدان جمهوری تهران ایستاده بودم که صدای انفجار شدیدی به گوشم رسید. ناگهان از موج انفجاری شدید، پشتم سوخت و به داخل سنگر پرتاب شدم. تمام سنگر پر از خاک و دود شد. ناصر تازنین با صورت روی خاک های نرم کنار کانال که موقع تردد بچه ها از بالای آن می ریخت، افتاده بود. من هنوز متوجه جراحاتم نشده بودم. تا آدمم بگویم بچه ها مواظب باشید و حرکت نکنم، دنیا زیر و رو شد.

تهران است که با به صدا در آمدن ناقوس جنگ، راهی مناطق عملیاتی جنوب کشور شد. او همراه بانبروهای جنگ های نامنظم به فرماندهی شهید چمران، به جنگ با دشمنان یعنی پرداخت. کتاب «صدِ روسی» حاوی اسامی بسیاری از شهدای هشت سال دفاع مقدس است. نویسنده این کتاب معتقد است انتشار خاطرات جانبازان جنگ تحمیلی در هر سطحی این نکته را به ما گوشزد می کند که هنوز این گنجینه عظیم به طور کامل شناخته نشده و در اختیار عموم مردم قرار نگرفته است. دلیل نامگذاری این کتاب این است که به گفته عبدالعلی یزدان یار «صدِ روسی» نام خمپاره ای است که از سوی دشمن بعضی برابر رزمندگان مورد استفاده قرار می گرفت و یکی از حوادث مهم این کتاب را رقم زده است. از همین رو نام «صدِ روسی» را روی این کتاب گذاشته اند.

کتاب صدِ روسی برای مخاطبانی که دوست دارند از دوران دفاع مقدس و خاطرات رزمندگان، جانبازان و شهدا بخوانند، خواندنی است. این کتاب در ۱۱۲ صفحه در قطع رقی و توسط انتشارات شهید

کتاب صدِ روسی، مانند دفترچه خاطراتی است که خاطرات روزهایی خاص را بازگو می کند. روزهایی که اضطراب به همراه داشت و در کنارش شجاعت می طلبید. روزهایی که واگانی مثل فداکاری، استقامت و مقاومت معنا پیدا کردند. کتاب صدِ روسی روز شمار زندگی عبدالعلی یزدان یار است؛ مردی که تا پایان جنگ، ایستادگی کرد. او به جز در زمان هایی که مجروح شد و تحت درمان پزشکان قرار داشت، در تمام طول جنگ در جبهه بود. عبدالعلی یزدان یار در مقدمه این کتاب دلیل روایت خاطرات جنگ و تلاش خود برای به ثمر نشستن کتاب صدِ روسی را اصرار سردار سعید اردستانی فرمانده تیپ نینوا لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) عنوان کرده و می نویسد: «انگیزه دیگر، سخنان سردار محمدعلی فلکی بود که گفت اگر امروز کتاب خاطرات و عملیات های مان را ننویسیم، چه بسا افرادی بعدها از قول ما وقایع را طوری که نبوده و حقیقت نداشته بنویسند.» این کتاب روایتگر داستان زندگی پسر جوانی از اهالی